

گزارش مکتوب شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر

پانزدهمین نشست شورا در روز شنبه پانزدهم مرداد ماه ۱۳۹۰ ساعت ۸ با حضور اعضا آغاز گردید. شرکت کنندگان:

آقای توکل (نماینده انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان)
 آقای فروغی (عضو هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتابهای آموزشی)
 آقای شاوردی (نماینده انجمن ناشران ورزشی)
 آقای کمیلی (عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه ناشران و کتابفروشان و وکیل دادگستری)
 آقای بنی صدر (عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه ناشران و کتابفروشان و وکیل دادگستری)
 آقای حسینی نیک (مدیر مسئول دفتر مطالعات و خدمات حقوقی - رئیس شورا)

بعد از قرائت قرآن کریم، مذاکرات شورا به شرح زیر آغاز گردید:

موضوعات مورد بحث:

موضوع جلسه: نقد و بررسی ماده ۸۰ لایحه ماده ۸۰: چنانچه ناشر بنا به هر دلیلی از قبیل ورشکستگی و یا فوت و یا موانع قانونی نتواند به تعهدات خود عمل نماید، قرارداد منحل خواهد شد.

در خصوص این ماده، چند نکته قابل تأمل است:

اول: وضع این ماده با توجه به ماده ۷۸ بوده که قرارداد نشر بدون موافقت کتبی پدیدآورنده قابل انتقال به اشخاص ثالث نبوده، چنانچه ناشر به دلایل فوق الذکر و غیر آن نتواند به تعهداتش عمل نماید، با توجه به اینکه قرارداد، غیرقابل انتقال از طرف ناشر است، لذا محکوم به فسخ یا انحلال خواهد بود.

بر اساس نظر شورا در نشست دوازده و سیزدهم، ماده ۷۸ به صورت زیر تغییر یافته:

ماده ۷۸: انتقال قرارداد نشر به شخص ثالث مجاز است مگر آنکه ترتیب دیگری در قرارداد ذکر شده باشد.

با این تغییر می توان برای عدم توانایی ایفای تعهدات از طرف ناشر، راهی غیر از انحلال قرارداد پیش بینی کرد و آن امکان انتقال قرارداد به شخص ثالث اعم از وارث و وصی ناشر یا ناشر دیگر با صلاحدید ناشر اولیه و البته با رعایت حقوق پدیدآورنده، است.

دوم: ایفای تعهدات بطور عام ذکر شده که این می تواند شامل هر نوع تعهد از طرف ناشر باشد مانند تعهد به انتشار اثر تا تاریخی معین، انتشار اثر با کیفیتی خاص، پرداخت حق تألیف تا مهلتی معین و امثال آن، که عدم ایفای هر یک از تعهدات از طرف ناشر، منجر به انحلال قرارداد می شود. این در حالی است که عدم ایفای تعهد در عموم قراردادها باعث انحلال قرارداد نبوده گرچه جبران خسارت معمول می باشد.

به نظر می رسد مهمترین تعهدی که ناشر باید حتماً آن را اجرا نماید وگرنه اثر پدیدآورنده، به منصفه ظهور نرسیده و قابل

حمایت نیز نمی‌باشد، همانا اصل انتشار اثر است که در این خصوص باید عوض عدم ایفای تعهدات به عدم انتشار توجه داشته و وضع حکم کرد و بقیه تعهدات در صورت عدم انجام، قابل مطالبه بر اساس قواعد و عموماً حقوقی خواهد بود.

حق افشا در مبحث حقوق معنوی پدیدآورنده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بر خلاف قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ در لایحه جدید مورد توجه و حکم قرار گرفته است در ادامه ی این حق معنوی، حق مادی‌ای به نام حق انتشار وجود دارد که برای پدیدآورنده ثابت بوده و بر خلاف حق افشا و دیگر حقوق معنوی، قابل واگذاری نیز می‌باشد. قانونگذاران در همه نظام‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری به حق انتشار توجه ویژه داشته و خود را موظف به ایجاد امکانات لازم برای در دسترس گذاشتن و عرضه ی افکار و ابداعات پدیدآورندگان در نزد جامعه بشری می‌دانند. طبیعی است هیچگونه انسدادی در این جریان، قابل پذیرش نبوده بخصوص در مورد حبس اثر در نزد ناشر یا هر کس دیگر علیرغم میل پدیدآورنده، و فقط اوست که می‌تواند اثرش را عرضه نکرده و در نزد خود محفوظ بدارد.

نتیجه آنکه منظور از تعهدات باید تعهد به انتشار اثر توسط ناشر باشد تا بتوان در این حوزه، قانونی خاص وضع کرد. سوم: انحلال قرارداد که در این ماده ذکر شده، یک قاعده آمره است یعنی با بروز هر یک از دلایل مذکور در ماده، قرارداد منحل می‌گردد گرچه پدیدآورنده نیز مایل به انحلال نباشد و همچنین در صورتی که در قرارداد، به خلاف مفاد این ماده توافق شده باشد، ماده مذکور حاکم بوده و قرارداد بر خلاف قانون نمی‌تواند منعقد گردد. بهتر است به جای انحلال قرارداد، به حق فسخ برای پدیدآورنده اشاره گردد.

چهارم: ذکر مصادیق عدم امکان ایفای تعهد در این ماده، صحیح نبوده و با مبانی و قواعد عمومی قراردادهای منافات دارد. به عنوان مثال، برای ورشکستگی، مقررات خاصی در حقوق تجارت وضع گردیده و دلیلی ندارد که این مقررات شامل ناشر ورشکسته نگردد. قانونگذار علاوه بر نظم بخشی و سامان دهی به امور ورشکسته، سعی دارد رعایت غبطه و اوضاع و احوال طلبکاران نیز بکند حال آن که این وضعیت برای طلبکاران ناشر ورشکسته، متصور نیست. با رعایت مواد ۷۸ و ۸۰ این لایحه، نه ناشر امکان استفاده از قراردادهای خود را دارد و نه طلبکاران می‌توانند از اموال موجود ناشر بهره‌ای ببرند.

در حقیقت مهمترین سرمایه ناشر، قراردادهای وی است که باید قانونگذار به آنها توجه داشته و مورد حمایت قرار دهد. در مصداق فوت که ذکر شده نیز همین قاعده جاری است. قائم مقام ناشر که در این خصوص، وارث یا وصی می‌باشند، باید بتوانند با رعایت مهلت انتشار، اقدامات لازم را انجام داده و اثر را منتشر سازند. نتیجه کلی آن است که آنچه قانونگذار در این ماده به دنبال آن باید باشد، منحصر در عدم انتشار اثر توسط ناشر یا قائم مقام وی در مهلت مقرر در قرارداد یا حداکثر دو سال بوده و عام کرد تعهدات و ذکر دلایل و مصادیق و انحصار حق انتشار توسط ناشر، وجهی قانونی و عرفی ندارد.

با دقت نظر در مواد قبلی، متوجه می‌شویم که مفهوم اصلی این ماده در ماده ۷۵ مورد حکم قرار گرفته است.

ماده ۷۵ پیشنهادی با توجه به مباحث مطرح شده در جلسه دهم شورا و جلسه پانزدهم:

ناشر یا قائم مقام وی ملزم است حداکثر دو سال از زمان قبول اثر نسبت به انتشار آن اقدام نماید مگر اینکه طرفین، به نحو دیگری توافق کرده باشند. در غیر این صورت، پدیدآورنده می‌تواند نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید.

سید عباس حسینی نیک

رئیس شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر